

# سرزمین محبوب من «فستک»

کوشش:

علی رضا و موشی

انتشارات طه

سرشناسه: رضائی فشکی، علی، ۱۳۵۳-، گردآورنده  
عنوان و نام پدیدآور: سرزمین محبوب من، فشک، به کوشش علی رضائی فشکی  
مشخصات نشر: قزوین: طاهرا، ۱۳۹۳.  
مشخصات ظاهری: ۶۴ ص.: مصور.  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۰۸-۵۳-۴  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
موضوع: کتابنامه  
رده بندی کنگره: DSR ۲۰۸۹ / و ۴۷ ر ۶  
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۳۶۲۳  
شماره کتابشناسی ملی: ۸۱-۱۹۷۰۷



اقتضات ط

اقتضات ط: قزوین، طاهرا، آوا، کوچه آینه خاتون پلاک ۷ ط سوم  
تلفن: ۳۳۳۲۶۰۵۳

سرزمین محبوب من «فشک»

به کوشش رضائی فشکی

طراحی روی جلد: امیرعلی رضا و عکاس: مهدی رضایی و آرش طاهری

حروفچینی و صفحه بندی: نشر طاهرا، قزوین، چاپ

تیراژ: ۱۰۰۰، چاپ اول ۱۳۹۳

لینوگرافی و چاپ و صحافی: قم

مرکز بخش همراه: ۰۹۳۵۳۴۴۷۳۲۸

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۰۸-۵۳-۴

تلفن: ۳۳۳۲۶۰۵۳

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

|    |                                  |
|----|----------------------------------|
| ۴  | مقدمه                            |
| ۶  | حرف نخست:                        |
| ۷  | در بیان پرده                     |
| ۸  | مهری و دانش                      |
| ۱۱ | در بیان                          |
| ۱۲ | درباره ای                        |
| ۱۴ | مناجح منشی                       |
| ۱۷ | کتاب و کتاب                      |
| ۲۵ | مراجم خرداری                     |
| ۳۰ | نور و رنگ                        |
| ۳۳ | پوشش و لباس منشی                 |
| ۳۳ | آداب و رسوم                      |
| ۳۹ | انزاد و فضل (ع)                  |
| ۴۰ | انزاد و عیسی (ع)                 |
| ۴۹ | نقد میرزا یزدان و گذر تاریخ      |
| ۴۲ | آینه صاحب الوت                   |
| ۴۶ | پارچه نوید و انزاد و علی (ص)     |
| ۴۷ | وایچه زیبای ایران                |
| ۵۲ | پاور                             |
| ۵۱ | نصایح                            |
| ۵۵ | نظرات و اصطلاحات منشی            |
| ۵۸ | نقد و ستایش و آهسته و تاز و نیست |

سخن از جایی است که کوه بر ماه بوسه می‌زند...

افسانه آغاز می‌شود و شال گردن مه بر خیال دامنه می‌پیچد و شعره سینه آسمان بوسه می‌زند و در سنگ ریزه‌ها تکرار آن هجای گمده‌ایست که از راز سر به مهر پرده بر می‌دارد.

کجاست آن دهان؟

کجاست آن کوه؟

جاست که سکوت فضازیستی به بلندای کوه‌های سر به فلک کشیده‌ی انارت و خاک‌ها می‌شود و خودش را در خروش کوهساران و جویباران دوباره می‌یابد به بزم بی‌ملاحت می‌کشد تا راز سکوت هزاران ساله را باز گوید. مه تا ستیغی دیگر، آستان دیگری است.

قصه‌ای نشکفته چون گاهواره «سک» و بیدی افسرده در دراز نای صحرایی که در رویا رنگ می‌گشایند. بر سر شال گردن زان بادهای سرگردان پرسشی می‌کند: کجاست رنگ پنهان هسی؟ کجاست خون تازه در مجمر فضا تا خوراک رویایی دور شود؟ شتابان می‌گذرد باد بر شکرهای گمشده می‌خواند و قصه آغاز می‌شود و شعر می‌شکفت در خیال دامنه‌ای مه گرفته و دور ... در «نگین الموت» خورشید، شعر کوه است و ماه شعر شبانه سون مه آلودی ایست و سینه سرخان رازها را با خود به آن سوی دشت‌های سب زده می‌برند. دشت‌های الموت و آن گاه قصه‌ی دیرین ابر و باد و خورشید آغاز می‌شود و از علف‌ها پایین می‌غلطد و در لطافت شبنم‌های صبحگاهی تکثیر می‌شود. اینک آن نوای سحرانگیز و رازناک در گوش‌ها آرامشی شگرف را زمزمه می‌کند همان جاست که کوه دوباره بر ماه بوسه می‌زند. دور از چشم رختناک خورشید که کوه‌ها سر در آغوش شبی درخشان می‌گذارند و رویاهایشان را به «ماه» می‌

دهند. و اینجاست که نگارنده خیال را می برد در روستای سرسبز خشک، جایی که در آن دنیا آمده است و او دغدغهی این پژوهش را از سال ۱۳۸۳ هـ با خود داشته است که بگوید از سرزمینی که سبز است چون بهار و مردمان باصفایی دارد چون آفتاب، آن جا که آب و خاکش، نعمت های خدا را در دل جا داده است و مردم زحمتکش آنجا از دسترنج خود، رزق و روزی می گیرند، چشمه های همیشه جوشان الموت غربی از جمله «خارود» این منطقه را تبدیل به یکی از زیباترین جاذبه های توریستی کرده است. رودخانه ای که جری است در دل چشمه های در کوهساران، روح را جلایی تازه می بخشد. آقای علی زیدی، انسان های با ذوق منطقه ای «الموت غربی» است که خواسته است در «الموت» و سرزمینی که هزاران راز نهفته در سینه، دارد کتاب مذکور را نوشته است و از باییز و زمستان روستایش، از «نینه رود» که سرچشمه اش از گل و بار می رسد شاهدی پا برجا دارد همچون قلعه ای با شکوه «لمبستر»، از آشیانه ای در بالا می رود تا «کوه قاف» و همچو عقاب، «الموت» را زیر نظر دارد. از امامزاده می خرید چه آنان که پابرجاست و مراسم عزاداری سرور و سالار شهیدان «امام عشق» ایشان برپا می شود چه آنهایی که چون «امامزاده یوسف» به دلیل دوری و برف و یخبندان، بهیچاست از یاد رفته بود که در سال ۱۳۹۱ هـ توسط اوقاف و همیاری فیشکین امامزاده بازسازی شد و دیگر از مردم منطقه، برای خرابی اش اشک می ریزد. رفته رفته، سامی آداب و رسوم روستای دلنشین «فیشک» در الموت غربی را به خوبی می شناسد و می گوید که امید است این پژوهش - اگر چه اندک - بتواند روشیابی راه بزرگانی باشد که قلم در دست می گیرند و به کتاب ارزش می نهند و از یافته ها و پژوهش های خود نشندگان «پژوهش» را چراغ علم اندوزی را سیراب می کنند.

نمید الهوات حیاتی